

همه زنان جهان، همه ساله در خیر و عافیت باشید.

مهم ترین مسئله ای که زن را متمایز می کند، زن بودنش است. زن به معنای عشق و مهربانی شدید است نه به معنای نفرت و کینه ها.

ما به عنوان افراد دین دار، مواضعی از بانو فاطمه زهرا و بانو زینب و بانوی دوشیزه مریم (صلوات الله علیهن) و رفتار مهربانانه و بالطافت آنان داریم؛ حتی در عرصه های خشونت، سنگ دلی، ظلم و اهانت های بزرگی که به آنان رسیده است.

تأسف بار است که امروزه، زنانی را در صف «راست تندرو» می بینیم یا یکی از آنان را می بینیم که به کشتن اعضای فرقه دینی دیگری فرامی خواند یا زنی را در رسانه ها می بینیم که تمام سخنش، فریاد و صدای بلند و خودنمایی نفرت انگیز و زیاده گویی با بدترین مردان است.

پیام فیس بوک سید احمد الحسن علیه السلام به مناسبت روز جهانی زن، ۸ مارس ۲۰۲۰



تاجی از فخر

علت دین گریز شدن مردم چیست؟

تصور اهل سنت از مهدی علیه السلام

قسمت دوم

جهان های موازی؛ افسانه یا واقعیت علمی؟

بررسی جایگاه رؤیا و معرفی انواع راهکارهای خروج از غفلت

چرا جانشین؟

مقام مادر

منظور از نهال و شاخه، در اشعیا فصل یازدهم چه کسانی هستند؟

قسمت پنجم

سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن علیه السلام، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.

۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.

۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

البراهین الخیر

فهرست



- ۳.....مقام مادر.....
- ۵.....تصور اهل سنت از مهدی (عج) اصحت احادیث و تواتر آن ها.....
- ۸.....نهال و شاخه در اشعیا فصل یازدهم اقسامت پنجم.....
- ۱۰.....جایگاه رؤیا و راهکارهای خروج از غفلت.....
- ۱۵.....بررسی کتاب معترضان به خلفای خدا اقسامت اول.....
- ۱۸.....علت دین گریز شدن مردم چیست؟.....
- ۲۱.....جهان های موازی؛ افسانه یا واقعیت علمی؟!.....
- ۲۳.....تاجی از فخر.....

هفته نامه زمان ظهور

شماره ۱۱۹، جمعه ۸ بهمن ۱۴۰۰،
۲۵ جمادی الثانی ۱۴۴۳، ۲۸ ژانویه ۲۰۲۲
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه های ارتباطی:

WWW.VARESin.COM



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.





به راستی که کلام مولایمان سید احمدالحسن علیه السلام در حق مادر بسیار زیباست. روزی یوسف از مغرب در نامه‌ای برای سید احمدالحسن علیه السلام این گونه می نویسد:

سید و مولای من، پدر و مادرم به فدایت از خدای بلندمرتبه و توانا (علی و قدیر) مسئلت دارم که خواندن نامه‌ام و پاسخ دادن به آن برایتان دشوار نباشد.

شما بر من نسبت به خود من اولویت دارید و جز خضوع و تسلیم در برابر فرمان شما ندارم. امیدوارم که به من و مادرم و دو برادر ایمانی‌ام که با من زندگی می‌کنند توصیه‌ای بفرمایید؛ چراکه شما از حال ما نسبت به خود ما آگاه‌تری و آنچه را در کار ما به صلاح ماست بهتر از خود ما می‌دانی.

مادر! رایحه دل انگیز وجودت، مرا تا عمق حیات به سرزمین نور، به وادی سحر، به دیار شکفتن و بلوغ، و به دیار حضور و سرور پیش می‌برد. با نگاهی به چهره زیبایت، منزل منزلِ عمرم را که به خاطر می‌آورم، تو را می‌بینم که کردارت همه مزین به مضامین هستی‌بخش است.

شناخت حق مادر

در روایتی از امام سجاد علیه السلام درباره شناخت حق مادر چنین آمده است: «حق مادرت این است که بدانی او به گونه‌ای تو را حمل کرده که هیچ کس دیگری را حمل نمی‌کند و از میوه قلبش به گونه‌ای تو را غذا داد که هیچ کس چنین عطایی به دیگری نمی‌کند. او از تو با تمام اعضایش پاسداری کرد. بی‌پروا از گرسنگی خویش تو را سیر کرد و بی‌باک از تشنگی خود تو را سیراب ساخت. بی‌توجه به تن‌پوش خویش تو را پوشاند. در آفتاب ماند تا بر تو سایه افکند و برای تو بی‌خواب گشت و تو را از گرما و سرما پاس داشت تا تو از آن او باشی. بی‌شک جز به یاری و مدد رسانی خداوند متعال، توان سپاسگزاری او را نداری.» (تحف العقول، ص ۲۶۳)

سید احمدالحسن علیه السلام:

بر مؤمن سزاوار است که نسبت به خویشانش نکویی پیشه کند و تا آنجاکه می‌تواند در هدایت آن‌ها بکوشد. درباره والدین به طور خاص، حتماً باید با آن‌ها به احسان رفتار کند حتی اگر مؤمن نباشند.

(پاسخ‌های فقهی (مسائل متفرقه)، ج ۱، ص ۳۷)

فراوان او، بیشتر تاکید کرده، نام او را جداگانه مطرح می کند و از زحمات مادر در تداوم نسل انسان ها و تحمل زحمات و مشکلات دوران بارداری و تحمل زحمات پس از آن سخن می گوید.

در آیه پانزدهم سوره مبارک احقاف چنین می خوانیم: (و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج، او را باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد و بار برداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است، تا آنگاه که به رشد کامل خود برسد...).

نتیجه نارضایتی مادر

در عصر پیامبر خدا ﷺ یکی از مسلمانان در بستر مرگ بود. آن حضرت بر بالین او حاضر شد و چون حالت احتضار او را دید، به او فرمود: «بگو لا اله الا الله». ولی شخص توان سخن گفتن نداشت. پیامبر ﷺ چندین بار جمله خود را تکرار کرد، ولی او نمی توانست حرفی بزند. پیامبر از مادر آن شخص سؤال کرد: «آیا از پسر ت راضی هستی؟» گفت: «نه، از او راضی نیستم». رسول خدا ﷺ فرمود: «دوست دارم از او راضی شوی». مادر شفاعت پیامبر را درباره فرزندش پذیرفت و از پسرش راضی شد و در این هنگام، جمله «لا اله الا الله» بر زبان آن شخص جاری شد. بعد پیامبر ﷺ به او گفت: «چه می بینی؟» شخص گفت: «دو سیاه چهره را می بینم که دور می شوند و دو شخص روشن و نورانی را می بینم که وارد اتاق می شوند». (عرفان عبادت، ص ۴۲۳ و ۴۲۴)

در نهایت دریافتیم که مادر همان طیبی است که لبخندش مایه شفای دردهایمان و دستانش مایه رنگ دادن به زندگی مان است و بایستی این گوهر ارزشمند را قدر بدانیم. والحمد لله رب العالمین

برگرفته از سایت



پاسخ:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمه و المهیین و سلم تسلیماً.
گفتی با مادرت زندگی می کنی که این نعمتی است که خدا آن را بر تو ارزانی داشته است؛ پس به تو توصیه می کنم به مادرت نیکی کنی و رضایتش را در آنچه مورد رضای خدای سبحان است، بطلبی و تو و هرکسی را که کلماتم به او می رسد به نبرد با نفس توصیه می کنم که سخت ترین دشمن انسان است...»

(پاسخ های روشنگرانه، ج ۳، ص ۲۲۸)

انسی با مادر، بهتر از جهاد

جوانی به محضر رسول گرامی اسلام ﷺ شرفیاب شد و گفت: من جوان شادابی هستم و جهاد را دوست دارم؛ ولی مادری دارم که جهاد من برای او ناگوار است. پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «بازگرد و با مادرت زندگی کن. سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری فرستاد، یک شب انسی او با تو، از جهاد در راه خداوند متعال برتر است». (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۰)

تأکید قرآن بر زحمات مادر

قرآن مجید به دفعات، انسان ها را به نیکی به پدر و مادر فرامی خواند؛ ولی درباره مادر و قدردانی از زحمات

سید احمد الحسن (علیه السلام):

تکلیف زن، مقابل جامعه فقط این نیست که در خانه خویش بنشیند؛ قطعاً زن نقش بزرگی دارد؛ حتی مرد نمی تواند نقش زن را انجام دهد، به این خاطر که ویژگی هایی دارد که مرد، آن را ندارد. (پیام صفحه فیس بوک، ۱۰ ژوئیه ۲۰۱۶م)



تصور اهل سنت از مهدی (قسمت دوم)

صحت احادیث مهدی (علیه السلام) و تواتر آن‌ها در کتب اهل سنت



۱. حافظ ابو حنین محمد بن حسین آبری سجری، صاحب کتاب مناقب الشافعی گفته است:

«یقیناً اخبار از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در یاد کردن از مهدی به تواتر رسیده و اینکه از اهل بیت اوست.» [۱]

۲. محمد برزنجی در باب سوم در کتاب «علائم عظیم و دلایل نزدیک شدن به ساعت (قیامت)» گفته است که این‌ها [یعنی علامات قیامت] بسیارند! از جمله مهدی که اولین آن‌هاست، و می‌دانم که احادیث وارد شده با وجود اختلاف روایات به قدری فراوان هستند که گردآوری نمی‌شوند. [۲]

همچنین گفته است:

«دانستم احادیث اشاره کننده به وجود مهدی و قیامت در آخر الزمان و اینکه او از خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و از فرزندان فاطمه است به حد تواتر معنوی رسیده است! پس انکار آن‌ها معنایی ندارد؛ همچنین وارد شده است که هر کس وجود دجال را تکذیب کند کافر است! و هر کس

یکی از اشکالات

مطرح نزد

برخی از علمای

سنی به اصل اعتقاد

مهدویت، عدم صحت و تواتر روایات وارده در شأن امام مهدی (علیه السلام) البته به زعم آن‌هاست. این ادعا در حالی به صحت و سقم روایات، شبهه وارد می‌کند که بسیاری از علمای اهل سنت صحت و تواتر احادیث مربوط به مهدی آخر الزمان را تأیید کرده‌اند؛ به این جهت ما در این مختصر قصد داریم به نمونه‌ای از سخنان و نظرات برخی از این علما که به طور نسبی در اکثریت قرار دارند، بپردازیم. هر چند گنجاندن نام‌ها و اقوال همه این افراد در این مبحث بسی دشوار است اما بخش عمده‌ای از نام‌ها و گفتارها را نقل خواهیم کرد تا اشاره‌ای باشد به اینکه رأی غالب اهل سنت را این افراد تشکیل می‌دهند.

سید احمد الحسن (علیه السلام):

همچنین برای مسلمانان اهل سنت، رسول الله (صلی الله علیه و آله) آن‌ها را به یاری مهدی تشویق نموده است و او را «خليفة الله المهدی» نامید؛ همان طور که در روایات صحیح کتاب‌های اهل سنت آمده است.

(وصیت مقدس نوشتار بازدارنده از گمراهی)

متون محکم و روشن و مشهوری که به حد تواتر رسیده اند. [۷]

۶. بیهقی گفته است:

«احادیثی که در بیان قیام مهدی صادر شده دارای صحیح ترین سندهاست...» [۸]

۷. ابن تیمیه در «منهاج اهل السنة» می گوید: «احادیثی که با آن ها به قیام مهدی احتجاج می شود احادیث صحیحی است که ابوداود، ترمذی، احمد و دیگران روایت کرده اند.» [۹]

۸. محمد شمس الحق عظیم آبادی می گوید: «بدان در بین تمام اهل اسلام در طول دوره ها مشهور است که در آخرالزمان مردی از اهل بیت ظاهر خواهد شد که دین را یاری می کند، عدل را آشکار می سازد و مسلمانان از او پیروی می کنند. بر کشورهای اسلامی مسلط می شود، و مهدی نامیده می شود.» [۱۰]

۹. محمد ناصرالدین آل بانی می گوید:

«خلاصه کلام: عقیده قیام مهدی، عقیده ای است اثبات شده و متواتر که از پیامبر ﷺ صادر شده و ایمان به آن واجب است؛ چون از امور غیبی است و ایمان به آن از صفات پرهیزگاران است! همان طور که حق تعالی می فرماید: (الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين * الذين يؤمنون بالغيب: الف لام میم، این است همان کتابی که در آن هیچ شکی نیست، پرهیزگاران را راهنماست * آنان که به غیب ایمان می آورند) و انکار آن جز از جاهل یا ستیزه جو بر نمی آید.» [۱۱]

۱۰. ابن حجر هیتمی گفته است:

«مهدی منتظر از اموری است که باید بدان اعتقاد داشت؛ چراکه احادیث صحیح بر آن دلالت دارد.» [۱۲]

۱۱. ذهبی گفته است:

«احادیثی که با آن ها بر قیام مهدی احتجاج می کنیم صحیح است.» [۱۳]

۱۲. محمد بن صالح عثیمین گفته است:

مهدی را تکذیب کند کافر است! [۳]

۳. شیخ محمد سفارینی حنبلی گفته است:

«روایات در خصوص خروج او (یعنی مهدی) بسیار است؛ تا آنجا که به حد تواتر معنوی رسیده؛ و این بین علمای اهل سنت شایع شده، تا آنجا که از اعتقادات آن ها شمرده شده است.

امام حافظ بن اسکاف با سندی پسندیده تا جابر بن عبدالله (رضی الله عنهما) روایت کرده است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «هرکس دجال را دروغ پندارد کافر شده و هرکه مهدی را تکذیب کند کافر است.» ... و از صحابه و دیگرانی که از آن ها نقل کردند و پس از آنان از تابعین، روایات متعددی نقل شده است که مفید علم قطعی است؛ پس ایمان به قیام مهدی همان طور که نزد اهل علم ثابت شده، واجب و در عقاید اهل سنت و جماعت مدون گشته است.» [۴]

۴. قاضی محمد بن علی شوکانی در کتاب خود «توضیح در تواتر آنچه درباره مهدی منتظر، دجال و مسیح آمده است» می گوید:

«و احادیث وارد شده در خصوص مهدی که به دست ما رسیده، بالغ بر پنجاه حدیث است که در میان آن ها احادیث، صحیح، حسن و ضعیف منجبر دیده می شود که بدون شک متواتر محسوب می شوند و شبهه ای در این خصوص وجود ندارد؛ و حتی توصیف تواتر در کمتر از این حد در تمامی اصطلاحات نوشته شده در اصول، تصدیق می شود؛ اما آثاری که از صحابه به مهدی تصریح کرده اند آن قدر زیاد است که در سطح احادیث مرفوع قرار می گیرند؛ بنابراین مجالی برای اجتهاد در مانند چنین مسئله ای وجود ندارد.» [۵]

۵. محدث صدیق حسن خان قنوجی گفته است:

«احادیث وارد شده در این خصوص (یعنی مهدی) با تمام اختلافات در آن ها یقیناً به تواتر رسیده است و این در کتاب های سنن و دیگر کتاب ها از نوشتارهای اسلامی مانند معجم ها و مسندها وجود دارد.» [۶]

همچنین می گوید:

«شک و تردید در امر این مرد فاطمی وعده داده شده منتظر که با دلایل محکم اثبات شده است معنایی ندارد؛ بلکه انکار آن، گستاخی عظیمی است در برابر

سید احمد الحسن ﷺ:

من نزد آن ها آمدم در حالی که نامم شبیه نام رسول الله ﷺ (احمد) است و نام پدرم شبیه نام پدر رسول الله (اسماعیل) است؛ همان طور که در روایات به آن اشاره شده است و رسول (الله) فرمود: «من فرزند دو قربانی هستم، عبدالله و اسماعیل.» (وصیت مقدس نوشتار بازدارنده از گمراهی)

۳. همان منبع، ص ۱۱۲.
۴. لوامع الأنوار البهية و سواطع الأسرار الأثرية، ج ۲، ص ۸۴.
قرار دارد بر:



۵. المهدی، محمد اسماعیل مقدم، مؤسسه جهانی نشر و توزیع اسکندریه/ مصر، چاپ ۱۱، ۱۴۲۹/۲۰۰۸، ص ۹۱.
۶. الإذاعة اما كان وما يكون بين يدي الساعة، ت، مسعد عبد الحميد السعدني، مكتبة القرآن، قاهره، ص ۱۶۶.
۷. همان منبع، ص ۲۱۷.
۸. أشراف الساعة في مسند احمد و زوائد الصحيحين، خالد بن ناصر بن سعيد غامدي، دارالأندلس الخضراء، عربستان سعودی، دار ابن حزم، بيروت لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۰/۱۹۹۹م، ج ۱، ص ۲۷۶.
مؤلف سخنان دیگری نیز گفته است که بیان نکردیم. در ص ۲۸۰ می گوید: «به علاوه، این تنها اندکی از بسیار از گفتار اهل علم بود.»
۹. منهاج السنة النبوية (۴/۲۱۱) به نقل از المهدی المنتظر في ضوء الاحاديث و الآثار الصحيحة و أقوال العلماء و آراء الفرق المختلفة، ص ۵۰.
۱۰. عون المعبود شرح سنن أبي داوود، ج ۶، ص ۲۴۳. به نقل از العرف الوردی في أخبار المهدی، جلال الدین سیوطی، ت، أبويعلي البيضاوی، دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان، چاپ اول، ۲۰۰۶، ص ۳.
۱۱. مقالات آلبانی، گردآوری و تصحیح، نورالدین طالب، دار أطلس للنشر و التوزيع، ریاض، عربستان سعودی، چاپ اول، ۱۴۲۱/۲۰۰۰.
۱۲. اتحاد الجماعة بنا جاء في الفتن و الملاحم و أشراف الساعة، حمود بن عبد الله تويجری، چاپ مدينة الرياض، چاپ اول، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۲۲.
۱۳. المهدی المنتظر، إبراهيم المشوخي، مكتبة المنار الأردن، چاپ دوم، ۱۴۰۵/ق ۱۹۸۶م، سلسله الامارات الساعة، ص ۷۲.
۱۴. فتاوی به عنوان «هل احاديث خروج المهدی صحیح ام لا؟» در آدرس:



۱۵. فتاوی نور علی الدرب، ج ۱، گردآوری، أ. د. عبدالله بن محمد الطیار و محمد بن موسی بن عبدالله الموسی، مؤسسه خیریه شیخ عبد العزیز بن باز، د.ت، ص ۳۵۵.

«احادیث مهدی به چهار دسته تقسیم می شود. اول، احادیث دروغین؛ دوم، احادیث ضعیف؛ سوم، احادیث حسن؛ که تمامی به درجه صحیح بودن می رسد؛ چراکه به قرینه دیگری صحیح است و بعضی از علما گفته اند: از جمله این احادیث، تعدادی به خودی خود صحیح است که دسته چهارم محسوب می شود.» [۱۴]

۱۳. شیخ عبدالعزيز بن باز می گوید:
«مهدی منتظر صحیح است و در آخرالزمان واقع خواهد شد؛ نزدیک خروج دجال و نزدیک نزول عیسی، هنگامی که بین مردم بعد از فوت خلیفه اختلاف واقع می شود؛ پس مهدی خروج می کند و با او بیعت می کنند. او طی هفت یا نه سال عدالت را بین مردم مستقر می کند. در زمان او عیسی بن مریم نازل می شود. احادیث بسیاری در این خصوص وارد شده است...
اما مهدی منتظر که احادیث صحیحی در خصوص آمده، از اهل بیت پیامبر ﷺ و از اولاد فاطمه علیها السلام است. **اسم او مانند اسم پیامبر، محمد، و پدرش عبدالله است.** این حق است و احادیث صحیح در این خصوص وارد شده و در آخرالزمان واقع خواهد شد.» [۱۵]

این افراد برخی از کسانی بودند که به صحیح بودن یا تواتر احادیث مهدی تصریح کرده اند. تعداد آنان واقعاً بسیار بود و به جهت اجتناب از طولانی شدن مطلب، همه را بیان نکردیم و آنچه گفته شد هدف را محقق می سازد.

پی نوشت:
برگرفته از کتاب «تصور اهل سنت از مهدی منتظر، از عقیده تا متون»، دکتر عبدالرزاق دیراوی، ص ۲۲ تا ۳۳

منابع:

۱. المنار المنيف في الصحيح و الضعيف، ابن القيم الجوزية، ت. يحيى عبدالله الثمالی، دار عالم الفوائد، ص ۱۴۰.
۲. الإشاعة الأشراف الساعة، مكتبة الثقافة، مدینه منوره، د.ت، ص ۱۱۲.

سید احمد الحسن علیه السلام:

ای امت محمد ﷺ! از خدا بترسید و به حق اعتراف کنید و از خلیفه خدا، مهدی تبعیت کنید؛ همان فردی که رسول الله ﷺ شما را به یاری او فراخوانده است، هر چند کیشان کیشان بر روی برف (ویخ ها)، به وصیت یگانه پیامبران ایمان آورید تا در دنیا و آخرت نجات پیدا کنید.
(وصیت مقدس نوشتار بازدارنده از گمراهی)



منظور از نهال و شاخه، در اشعیا، فصل یازدهم چه کسانی هستند؟

قسمت پنجم

که در آن می خوانیم:
(و در آن روز واقع خواهد شد که ریشه
بیشی به جهت علم قوم ها برپا خواهد
شد و امت ها آن را خواهند طلبید و
سلامتی او با جلال خواهد بود.
* و در آن روز واقع خواهد گشت
که خداوند بار دیگر دست خود را
دراز کند تا بقیه قوم خویش را که
از آشور و مصر و فتروس و حبش و
عیلام و شنعار و حمات و از جزیره های
دریا باقی مانده باشند باز آورد).

عبارت «در آن روز» در هر دو آیه نشان می دهد که
این اتفاقات در روزگار بعثت منجی انجام می شود،
نه اینکه او پس از بعثت رفع می شود و سپس
هزاران سال بعد می آید و پیشگویی را تحقق
می بخشد.

ژروم یا جروم (Jerome) از بزرگ ترین

یکی از موضوعاتی که ممکن است مسیحیان
مطرح کنند این است که **گرچه عیسی در
ظهور اول خود آیات اشعیا، فصل ۱۱ را تحقق
نبخشید، ولی این کارها را در بازگشت خود
انجام می دهد؛ اما این ادعا تا چه اندازه
می تواند صحیح باشد؟**

**در پاسخ، این سؤال را می پرسیم که در جای این
فصل گفته شده است او پس از مبعوث شدن،
رفع و ناپدید می شود و سپس در بازگشت خود
چنین کاری را می کند؟**

**پاسخ این است که: هیچ کجا! پس کسانی که این
عقیده را نشر می دهند، باید برای اثبات ادعای
خود دلیل محکم ارائه کنند که البته چنین
دلیلی وجود ندارد.**

در همین رابطه می خواهیم توجه شما را به
بخشی از فصل ۱۱ آیات ۱۰ و ۱۱ معطوف کنیم

سید احمد الحسن علیه السلام:

هر مسیحی ای را که از بدی فرجام در هراس است نصیحت می کنم به آنچه هم اکنون کلیساهایشان
مطرح می کنند با دقت بنگرد: اینکه عیسی علیه السلام لاهوت مطلق است! بسیاری از مسیحیان پیش تر با
این مسئله مخالفت کردند؛ از جمله آریوس که از بزرگان علمای مسیحی بود.

(سیزدهمین حواری)

اما سخنی که ژروم دربارهٔ وقوع این حوادث در ظهور اول می گوید، صحیح نیست؛ به عبارت دیگر عیسی علیه السلام در ظهور اول نتوانست این پیشگویی را تحقق بخشد.

همچنین آدام کلارک (Adam Clarke) که مفسر پروتستان با موضع الهیاتی آرمینیانیسم (Arminianism) و وابسته به کلیسای متدیست و سلیمان (wesleyan/methodist) بود، می گوید:

«آیه اشعیا ۱۱:۱۱. و در آن روز واقع خواهد شد... این بخش از فصل حاوی پیشگویی ای است که قطعاً هنوز محقق نشده است.» پایان نقل قول

در نتیجه مسیحیان از تمامی فرقه ها باید بدانند که پیشگویی با ظهور عیسی علیه السلام به تحقق نرسید؛ پس امکان ندارد عیسی علیه السلام نجات دهنده آخرالزمان یا همان شاخه باشد.

ان شاءالله ادامه دارد

[*]: (Ancient Christian commentary on Scripture, Old testament X, Isaiah 1-39, edited by Steven A. McKinion, General editor Thomas C. Oden)

پدران کلیسا و کشیش مسیحی که نزد کلیسای کاتولیک و ارتدوکس و حتی گروه هایی از پروتستان ها یعنی جماعت انگلیکن و کلیسای لوتری محترم است و حتی به عنوان دکتر کلیسا (Doctor of the Church) نزد کلیسای کاتولیک شناخته می شود، می گوید [*]:

«در آن روز، یعنی در زمانی که در بالا نیز گفته شد، هنگامی که ریشه یسی به عنوان نشانه ای برای قوم ها یا برای حکومت بر ملت ها ظاهر می شود، خداوند برای بار دوم دست خود را دراز می کند که همگی اسرائیل ممکن است در پایان جهان نجات یابند، هنگامی که تمام غریبه دیان وارد خواهند شد که به هیچ وجه طبق یهودیت مان نیست.»

او در ادامه می گوید:

«اما ما باید همه این امور را مربوط به ظهور اول بدانیم؛ زیرا از آنجا که فقط یک روز در اینجا و در بالا مشخص شده است، ما نمی توانیم اولی را به ظهور اول و بعدی را به [ظهور] دومی ارجاع دهیم؛

به گونه ای که حوادث بعدی و امور قبل به مسیح ارجاع داده نشود، که یهودیان مدعی بودند هنوز نیامده بود، اما با این حال در آینده خواهد آمد.» (تفسیر اشعیا ۱۱.۱۱.۴ تا ۱۴)

سید احمد الحسن علیه السلام:

از دیرباز و همواره بسیاری از مسیحیان مانند شاهدان یهوم به این عقیده باطل سفیهانه (یعنی لاهوت مطلق بودن عیسی) که انجیل و عقل آن را رد می کند اعتقاد نداشته و ندارند؛ چراکه باطل بودن آن را در کتاب توحید و با متن انجیلی که هیچ تأویل و پوشیدگی در آن راه ندارد و با دلیل عقلی، روشن و واضح بیان نموده ام.

(سیزدهمین حواری)

بررسی جایگاه رؤیا و معرفی انواع راهکارهای خروج از غفلت

«اخبار آسمانی از طرق مختلفی به انسان می‌رسد، اگرچه همه آن‌ها به یک اصل بازمی‌گردد: ممکن است خداوند سبحان و تعالی به صورت مستقیم از پس پرده یا حجاب با انسان سخن بگوید، یا آنچه را که بخواهد به آدمی وحی کند، یا آنچه را که اراده فرماید در صفحه وجود انسان بنویسد یا فرشتگانی بفرستد تا به طور مستقیم با انسان تکلم نمایند یا هر آنچه را که مشیت و خواست حضرت حق است در صفحه وجودش بنگارند. خداوند متعال می‌فرماید:

(وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ: هیچ بشری شایستگی ندارد که خداوند با او سخن بگوید مگر به وسیله وحی، یا از آن سوی حجاب (پرده)، یا فرشته‌ای بفرستد تا به فرمان او هر چه بخواهد به او وحی کند. به درستی که او بلندمرتبه و حکیم است). (شورا، ۵۱)

اما شیوه این کلام، وحی یا نوشتن، گاهی به صورت رؤیا و گاهی به صورت مکاشفه در بیداری است. می‌گوییم مکاشفه، زیرا عالم ارواح، متفاوت با عالم جسمانی است و اگر انسان بخواهد از عالم ارواح مطلع شود و به آن اتصال یابد، باید حجاب این عالم جسمانی از او کنار برود (کشف شود).

بنابراین هم‌چنان که از کلام امام احمدالحسن رحمه الله دانستیم، رؤیای صادقانه مصادیق مختلفی دارد، و تمامی آیات غیبی و ملکوتی، از مصادیق رؤیا به شمار می‌آیند؛ زیرا به واسطه رؤیای در خواب یا رؤیای

چند هفته قبل، امام احمدالحسن رحمه الله پیامی را در صفحه مبارک فیس‌بوک قرار دادند. به طور خلاصه، در این پیام اشاره شده بود که **غفلت به معنای نشنیدن سخن خداوند و محرومیت از وحی و ملکوت است**. امام احمدالحسن در این پیام، به ما دستور دادند که از غفلت خارج شده و اهل ملکوت بشویم و سخن خداوند را بشنویم. در راستای پیروی از دستور امام، قصد داریم در سه محور درباره وحی و رؤیای صادقانه صحبت کنیم و درباره اینکه چگونه می‌توانیم اهل وحی و رؤیای صادقانه شویم، راهکارهایی عملی را از بیانات امام احمدالحسن بیاموزیم.

محورهای سه‌گانه این بحث عبارت‌اند از:

- **محور اول:** درنگی در مفهوم رؤیا و وحی، در بیانات امام احمدالحسن رحمه الله؛
- **محور دوم:** اهمیت رؤیا در زندگی مؤمن، در بیانات امام احمدالحسن رحمه الله؛
- **محور سوم:** پنج راهکار عملی برای بهره‌مندی از وحی و رؤیا در بیانات امام احمدالحسن رحمه الله.

محور اول: درنگی در مفهوم رؤیا و وحی، در بیانات امام احمدالحسن رحمه الله

امام احمدالحسن رحمه الله در ابتدای کتاب **نبوت خاتم** و در بخشی تحت عنوان «نبوت» می‌فرمایند:

سید احمدالحسن رحمه الله:

رؤیا (رؤیای صادقانه) حقی از جانب خداوند سبحان و متعال است؛ چه پیامبری مانند یوسف عليه السلام آن را ببیند یا کسی مانند زندانی اول که دنبال حقیقت است یا کافری مانند فرعون مصر که از یاد خداوند غافل است.

(روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۳)



خداوند سبحان و متعال را تکذیب کرده است، و این از بزرگترین انواع گُفر و تکذیب محسوب می شود. خداوند متعال می فرماید:

(سَرِّبَهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ: زودا که آیات و نشانه های خود را در آفاق و در وجود خودشان به آن ها نشان خواهیم داد تا برایشان آشکار شود که او حق است).

یعنی آفاق ملکوتی و ملکی و در نفس انسانی؛ تا برایشان روشن شود که او حق است؛ یعنی قیام قائم (علیه السلام) همان طور که در روایات از ائمه (علیهم السلام) نقل شده است؛ چرا که مردم او را تکذیب می کنند و او را تصدیق نمی کنند.

خداوند سبحان و متعال می داند که بیشتر مردم غافل اند و از نشانه های نفسانی و آفاقی روی گردان هستند و به همین دلیل، گُفر به رسالت های الهی، نتیجه حتمی و محصول نهایی است که از آن گریزی نیست:

(وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ: و حال آنکه بسیاری از مردم از آیات ما غافل اند)،
(وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأْنَنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ: و به زندگی دنیا خشنود و راضی شده و به آن آرامش یافته اند، و آنان که از آیات ما غافل اند) و
(وَأَتَيْنَاهُمُ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ: آیات خویش را بر آنان رسانیدیم؛ ولی از آن روی گردان بودند).

همچنین امام احمد الحسن (علیه السلام) در صفحه مبارک فیس بوک و در پاسخ سؤال یکی از انصار که پرسیده بود «با وجود سایر نشانه های غیبی، چرا مطابق روایات، تنها رؤیا از نبوت باقی مانده است» فرمودند که تمامی نشانه های غیبی مصداق رؤیا به شمار می رود:



همچنین امام احمد الحسن (علیه السلام) در بخشی از کتاب سفر موسی به مجمع البحرین، نشانه ها و توسمات را تکلم خداوند با بندگان دانسته و فردی را که از آن بی بهره باشد، غافل به شمار می آورد؛ ایشان می نویسند: «کسی که دو گوش برای شنیدن دارد بشنود، و کسی

در بیداری به انسان نشان داده می شوند؛ به بیان دیگر، رؤیا یعنی آنچه از عالم غیب به انسان نشان داده می شود، و این محدود به خواب شب نیست، بلکه یک مفهوم عام است با مصادیق و نمونه های متعدد؛ چنان که امام احمد الحسن (علیه السلام) در جلد دوم از کتاب روشنگری هایی از دعوت های فرستادگان و در بخشی تحت عنوان آیه و معجزه ملکوتی، مصادیق رؤیا و آیه ملکوتی را برشمرده و می نویسد:

«از جمله این نشانه ها عبارت است از:

الف. نور بصیرت، اطمینان قلبی، و آرامش و وقار؛ البته اگر انسان بر فطرت خداوندی باشد که مردم را بر آن سرشته است و آن را آلوده نکرده باشد یا اینکه پس از به یاد آوردن و بیدار شدنش از خواب غفلت، به آن فطرت بازگردد؛

ب. دیدن باطن افراد و توهم (شناخت با فراست و تیزبینی) در آفاق و انفس؛

ت. رؤیای صادقه در خواب؛

ث. رؤیای صادقه در بیداری -مکاشفه- که عبارت است از:

۱. رؤیای صادقه در نماز؛

۲. رؤیای صادقه در رکوع؛

۳. رؤیای صادقه در سجده؛

۴. رؤیای صادقه در چُرت بین خواب و بیداری؛

۵. رؤیای صادقه هنگام خواندن قرآن؛

۶. رؤیای صادقه هنگام رفتن خدمت اباعبدالله امام حسین (علیه السلام)؛

۷. رؤیای صادقه هنگام دعا و تضرع به درگاه خداوند سبحان و متعال؛

۸. رؤیای صادقه در [کنار] ضریح های امامان و پیامبران (علیهم السلام) و مساجد و حسینیه ها و بسیاری موارد دیگر.

همه انواع این مکاشفه ها و رؤیاهای صادقه نشانه های الهی است؛ چرا که فقط با دستور خداوند و به خواست و مشیت خداوند سبحان و متعال صورت می پذیرند و انجام این ها را فرشتگان خدای سبحان و متعال و بندگان شایسته او عهده دار هستند؛ کسانی که از سخن او پیشی نمی گیرند و تنها به فرمان او عمل می کنند. این نشانه ها، دلیل رسا و حجت بالغه خداوند سبحان و متعال بر بندگان است؛ زیرا کلمات او هستند که به واسطه آن ها با مردم سخن می گوید. کسی که این ها را تکذیب کند،

سید احمد الحسن (علیه السلام):

سوره یوسف (علیه السلام) حول این نکته می چرخد. رؤیا حقی از جانب خداوند است که افرادی مانند بزرگان فرعون که به خداوند کافر هستند، آن را انکار می کنند و کسانی که به خداوند ایمان دارند، مانند یوسف (علیه السلام) و زندانی اول، به آن ایمان می آورند. (روشنگری هایی از دعوت های فرستادگان، ج ۳)



بینند یا به آن‌ها نشان داده شود آنچه را که درستی راه و عقیده‌شان را به آن‌ها بشارت می‌دهد. **کسانی که چیزی را که بشارت‌دهنده آن‌ها به درستی راهشان است نمی‌بینند یا به آن‌ها نشان داده نمی‌شود، در زمره اولیای خداوند نیستند، و حتی جزو کسانی که ایمان آورده‌اند نیز نیستند و در زمره متقین نیز به شمار نمی‌روند.**

و در ادامه می‌نویسند:

«... بنابراین کسی که بشارت‌دهنده‌هایی بر اینکه بر راه مستقیم گام برمی‌دارد، نبیند و برای او نبینند، در زمره متقین نیست و حتی طبق این آیه، جزو روزه‌داران هم محسوب نمی‌شود، و چه بسیارند روزه‌دارانی که از روزه جز گرسنگی و تشنگی بهره‌ای نمی‌برند و کسانی که رؤیا را انکار می‌کنند، ارواحشان منکر وجود خداوند است:

(فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ: ولی اینان تنها تو را تکذیب نمی‌کنند؛ بلکه این ستمکاران، سخن خداوند را انکار می‌کنند). کلام امام بی‌نیاز از هرگونه شرح و توضیح است.

همچنین امام علیه السلام در پاسخ سؤال ۳۱۶، **کتاب پاسخ‌های روشن‌گرانه، جلد ۴، به نقش مهم الهام در رسیدن به معرفت پرداخته و می‌نویسند:**

«با اخلاص، انسان به ذکر حقیقی، توفیق می‌یابد و با ذکر، به معرفت نایل می‌شود. از جمله راه‌های معرفت، الهام است و دستاورد الهام، بیشتر شدن معرفت است. همراه با سیر الی الله باید اخلاص آدمی نیز افزایش یابد؛ همچنین توفیقی که از جانب خدا بر او نازل می‌شود افزایش می‌یابد؛ به همین جهت الهام از سوی خدا بر او بیشتر و معرفت انسان نیز بیشتر می‌شود؛ تا اینکه انسان بداند که معرفت حقیقی، عجز و ناتوانی از رسیدن به شناخت حقیقت و گنه است.»

بنابراین از مجموع کلمات امام می‌توان دریافت **انسانی که از وحی و رؤیا بی‌بهره باشد، در شمار متقین و روزه‌داران و حتی مؤمنین هم نیست و از غافلان به شمار می‌رود.**

اما بپردازیم به محور سوم و پایانی و پاسخ این سؤال که:

که دلی برای فهمیدن دارد بفهمد و دریابد: خداوند سبحان در همه چیز سخن می‌گوید ولی مردم غافل‌اند و به خودشان و هوس‌هایشان توجه دارند. راه سخن گفتن خداوند با پیامبران منحصر به وحی، یا شنوایدن الفاظ در گوش یا القای معانی در دل آن‌ها نیست؛ بلکه راه بزرگ‌تری نیز وجود دارد که عبارت است از: **«ما رأيتُ شيئاً الا رأيتُ الله معه و قبله و بعده: به هیچ چیزی نظر نکردم، مگر آنکه قبل از آن چیز و بعد از آن چیز و با آن چیز خدا را دیدم.»**

موسی علیه السلام وقتی متوجه شد که ماهی را کنار صخره جا گذاشته‌اند، فهمید این اتفاق، نشانه‌ای از جانب خدای سبحان است.

بنابراین از مجموع کلمات امام به روشنی می‌توان فهمید که رؤیا و وحی و تکلم خداوند با انسان، محدود به مشاهدات انسان در خواب شبانه‌گاهی نیست؛ بلکه رؤیا و وحی هر آن چیزی است که در خواب یا بیداری، از عالم غیب به انسان ارزانی می‌شود (مانند سخن گفتن خداوند به‌طور مستقیم یا به واسطه ملائکه یا ارواح معصومین علیهم السلام، الهام، توسل و ...)

محور دوم: اهمیت رؤیا در زندگی مؤمن، در بیانات امام احمد الحسن علیه السلام

چنان‌که در آخرین پیام امام در صفحه مبارک فیس‌بوک خواندیم، **ایشان غفلت را به محروم‌ماندن از وحی تفسیر نمودند.**

و این چیزی بود که قبلاً نیز در کتاب **روشن‌گری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان** و نیز در کتاب **سفر موسی به مجمع‌البحرین** بیان فرموده بودند و پیش‌تر خواندیم. اما در اینجا خوب است که بخشی از پاسخ سؤال ۱۳۴ **کتاب متشابهات، جلد ۴** را با هم بخوانیم، تا ببینیم امام احمد الحسن علیه السلام درباره فردی که از رؤیا و وحی محروم است، چه می‌فرمایند؛ ایشان در بخشی از این سؤال می‌فرمایند:

«قانون الهی در آیات پیشین این است که اولیای خدا که ایمان آورده‌اند و تقوا پیشه کرده‌اند، در این دنیا بشارتی برای آنان است؛ یعنی آن‌ها حتماً باید

سید احمد الحسن علیه السلام:

کسی که رؤیا می‌بیند، باید در نفسش تأثیری بگذارد، چه مؤمن و چه کافر. پادشاه مصر مؤمن نبود، ولی نپذیرفت که رؤیایش را به عنوان خواب‌های پریشان، آن‌گونه که بزرگان و مأموران‌ش گفتند، نادیده بگیرد.

(روشن‌گری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۳)



است و تمایل به عربی خواهید داشت. اطمینان و آرامش با خواندن دو کلمه یا یک آیه بدون فهمیدن یا تدبر حاصل نخواهد شد. تنها با قرائت و تدبر است که حاصل می شود؛ و اگر قرآن از طرف خداوند نازل شده، پس حتماً برای خواننده تدبرکننده به یک روشی آرامش حاصل خواهد شد:

- یا خواب می بیند؛
- یا قلبش نرم می شود؛
- یا مکاشفه می بیند؛
- یا نشانه هایی برای او حاصل می شود.

هدف این است، نه اینکه به صورت تصادفی و بدون تدبر و اهمیت بخواند و آرامش پیدا کند؛ و همین طور ضرورتی ندارد آرامش بلافاصله با نرم شدن قلب برای قرآن صورت بگیرد.

(به نقل از: علاء السالم، اعجاز القرآن، ص ۱۳۲ و ۱۳۳)

بنابراین و بر اساس آنچه از سید احمدالحسن (رحمه الله) آموختیم، اعجاز قرآن کریم، تأثیر درونی و روحانی است؛

یعنی چنانچه قرائت قرآن با توجه و تدبر صورت گیرد، بر نفس و روح آدمی تأثیر می گذارد و این تأثیر با اموری نظیر: رقت و نرمی قلب، مشاهده رؤیا یا مکاشفه یا ظهور نشانه ای دیگر، جلوه گر می شود.

راهکار دوم: نماز شب همراه با گریه و تضرع

امام احمدالحسن (رحمه الله) در پاسخ سؤال ۹۰ در جلد دوم کتاب پاسخ های روشنگرانه می نویسد:

«از شما و از تمامی انصار خدا. که خداوند از جمیع بدی ها مصونشان دارد. درخواست می کنم که هرگز از نماز شب و دعا در آن و گریه و زاری در پیشگاه پروردگار رحیم غافل نشوند. درهای ملکوت آسمان ها که پیش تر فقط برای انبیای خاص خداوند و فرستادگانی همچون ابراهیم (رحمه الله) باز می شد، اکنون باز است. خوش به حال کسانی که به آن ها اجازه ورود داده می شود تا بنگرند به آنچه ابراهیم (رحمه الله) نگریست.»

همچنان که ملاحظه فرمودید، برای آنکه بتوانیم همچون ابراهیم پیامبر، ملکوت را ببینیم، به نماز شب همراه با گریه و تضرع توصیه شده ایم.

حال که با معنای وحی و رؤیا و نیز با نقش مهم آن در زندگانی مؤمن آشنا شدیم، چطور می توان به آن دست یافت و اهل وحی و ملکوت شد؟! پاسخ این سؤال و راهکارهای پنج گانه امام در این خصوص را در محور سوم می خوانیم.

محور سوم: پنج راهکار عملی برای بهره مندی از وحی و رؤیا در بیانات امام احمدالحسن (رحمه الله)

راهکار اول: قرائت قرآن همراه با توجه به سمت خداوند و تدبر در معانی آیات

در این خصوص، امام احمدالحسن (رحمه الله) می فرمایند: «معجزه قرآنی برای کسانی که اولین بار [با قرآن] روبه رو شدند در تاریخ واضح است. رسول، قرآن یا برخی از آیات قرآن را آوردند و بر مردم پیرامون خود خواندند؛ هرکس [خواست] بشنود آن را شنید و تأثیر روحی بر آن ها گذاشت یا بعضی خواب دیدند یا نشانه ها و اشاره هایی برایشان به وجود آمد که باعث می شد ایمان بیابند.

اگر [صرفاً] گفته ای فصیح و بلیغ بود ایمان نمی آوردند؛ چون فصاحت و بلاغت موضوعی نسبی است و قواعدی وجود ندارد که بگوید اینجا مرزی هست، اگر از آن بگذری کلام معجزه می شود؛ و برای همین می گفتند محمد ساحر است و زنان و جوانان خود را از خواندن و شنیدن آن منع می کردند؛ چون برای بسیاری از آنان، یا این تأثیر روحی صورت می گرفت یا خواب می دیدند؛ و الآن هرکسی می تواند این را تجربه کند.»

و نیز می نویسد: «من در کتاب ها [ی خودم] و در این کلام بیان کردم که قطعاً قرآن تأثیرات نفسانی و روحانی دارد، و برای همین ایشان را به ساحر توصیف می کردند؛ چون افرادی که قرآن می خواندند و افرادی که آن را می شنیدند خواب یا شبیه آن را می دیدند و سپس ایمان می آوردند.»

و می نویسد: «اگر با توجه به خداوند باشد و ترجمه هم صحیح باشد، اطمینان و آرامش برای او نیز حاصل خواهد شد، و چون شما عرب هستی اکیداً فهم شما عربی

سید احمدالحسن (رحمه الله)

باید داستان یوسف (رحمه الله) با مهدی اول نیز تکرار شود (و حتی داستان های پیامبران و امامان (رحمه الله)) و در نتیجه رؤیا، محور اصلی اثبات حقانیت او باشد؛ همان طور که محور اصلی اثبات حقانیت یوسف (رحمه الله) بود.

(روشنگری هایی از دعوت های فرستادگان، ج ۳)



راهکار سوم: تبلیغ

شد، همچنان که بر کسانی که پیش از شما بوده‌اند مقرر شده بود تا پرهیزگار شوید)، یعنی روزه داشتن بر شما مقرر شده است به این امید که پرهیزگار شوید. فرد باتقوا از سوی خدای سبحان با میزان الهی حق که همان «کلمات خدا و آیات خدا» است و ظالمان این‌ها را انکار می‌کنند، از تقوای خود باخبر می‌شود و این همان رؤیای بشارت‌دهنده‌ای است که از آیات پیشین دریافتیم.

بنابراین کسی که بشارت‌دهنده‌هایی بر اینکه بر راه مستقیم گام برمی‌دارد، نبیند و برای او نبیند، در زمره متقین نیست و حتی طبق این آیه، جزو روزه‌داران هم محسوب نمی‌شود، و چه بسیارند روزه‌دارانی که از روزه جزگرسنگی و تشنگی بهره‌ای نمی‌برند و کسانی که رؤیا را انکار می‌کنند، ارواحشان منکر وجود خداوند است:

(فَإِنَّهُمْ لَا يَكْذِبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ: ولی اینان تنها تو را تکذیب نمی‌کنند؛ بلکه این ستمکاران، سخن خداوند را انکار می‌کنند).

راهکار پنجم: برترین ذکر

امام احمد الحسن (علیه السلام) در پاسخ سؤال ۱۱۶ در جلد سوم کتاب متشابهات می‌نویسد: «آنچه از امام مهدی (علیه السلام) آموخته‌ام این است که برترین ذکر، گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم اللهم صل على محمد وآل محمد وسلم تسليماً» است. کسی که این ذکر را پنجاه بار بگوید، در آن روز جزو غافلین نوشته نمی‌شود و اگر آن را صد بار بگوید، در آن روز از ذاکرین نوشته می‌شود و اگر هزار بار بگوید نزد خداوند و امام مهدی (علیه السلام) جزو پیروزمندان خواهد بود.

چنان که ملاحظه کردید، در اینجا نیز امام احمد الحسن، پنجاه مرتبه گفتن این ذکر را موجب این می‌دانند که انسان در شمار غافلان نباشد. و با تعریفی که در کلمات امام از غفلت خواندیم می‌فهمیم که انجام این دستور العمل و مداومت بر این ذکر، در بهره‌مندی انسان از وحی و ملکوت، مؤثر است؛ بنابراین ما پنج راهکار عملی و مشخص را از کلمات امام فرا گرفتیم که به کمک آن‌ها می‌توان اهل ملکوت شد. از خداوند توفیق عمل را خواستاریم.

امام احمد الحسن در پاسخ سؤال ۹۱ در جلد سوم کتاب متشابهات می‌نویسد: «(ثُمَّ اتَّقُوا وَآمِنُوا: باز هم پرهیزگاری کنید و ایمان بیاورند): انسان اگر به آنچه از علم پیامبر (ص) و اهل بیت آن حضرت (علیهم السلام) آموخته است عمل کند و بر عبادت و بندگی که همان اصل عمل است مداومت نماید، قطعاً در رب‌های غیب به روی او گشوده خواهد شد، و اگر در عملش مخلص باشد، از نشانه‌های پروردگارش خواهد دید؛ چه به وسیله رؤیای صادق یا مکاشفه و مشاهده یا هر راهی که خدای سبحان و متعال برای اولیای مخلص خود بگشاید؛ و این چیزی که مؤمن در ملکوت آسمان‌ها مشاهده می‌کند، حتماً باید به آن ایمان آورد، پس از آنکه تقوا پیشه کند و از خدای سبحان بترسد و صبوری پیشه کند تا تأویل آنچه را که دیده است، بداند. در این آیه کلمه «ثُمَّ: سپس»، «به عقب انداختن» و «تاخیر» را می‌رساند؛ یعنی به محض عمل کردن، دروازه ملکوت برای مؤمن گشوده نخواهد شد؛ بلکه وی باید با اخلاص، بر عمل و بندگی مداومت داشته باشد تا دروازه‌های ملکوت آسمان‌ها برای اولیای الهی گشوده شود. (ثُمَّ اتَّقُوا وَآمِنُوا: باز هم پرهیزگاری کنید و نیکی): یعنی از خدا بترسند و به مؤمنان و مردم نیکی کنند؛ به این صورت که آن‌ها را آموزش دهند و آنچه را که در ملکوت آسمان‌ها دیده‌اند به آن‌ها بشناسانند؛ و این، همان مرحله تبلیغ است؛ از همین رو فرموده است «آمِنُوا: ایمان آورند»؛ چرا که آن‌ها به آنچه مشاهده کرده‌اند، یقین دارند. آن‌ها اکنون در مرحله تبلیغ از سوی خداوند سبحان هستند.

راهکار چهارم: روزه

امام احمد الحسن (علیه السلام) در پاسخ سؤال ۱۳۴ در جلد چهارم کتاب متشابهات می‌نویسد: «حال اگر به سراغ آیه دیگری برویم که فایده روزه گرفتن را بیان می‌کند: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه داشتن بر شما مقرر

سید احمد الحسن (علیه السلام):

حکمت از بیان کردن نبوت یوسف (علیه السلام) و ارتباط آن با وحی خداوند و به خصوص رؤیای از جانب او، بهره‌مند شدن مردم و به ویژه مؤمنان می‌باشد، و سنت الهی را تغییری نیست.

(پاسخ‌های روشن‌گرانه، جلد ۳، س ۲۹۲)



چرا جانشین؟

بررسی کتاب معترضان به خلفای خدا، نوشته دکتر علاء سالم

قسمت اول

در حالی که غایت خود را تباه ساخته و تبدیل به کوری شده که بین تاریکی های هوا و هوس و دنیا و شیطان در نوسان است؟ و چه زیان بزرگی خواهد بود اگر غایت او، خدای سبحان و شناخت او باشد، در حالی که بدون آن بازمی گردد و با چه صفتی توصیف خواهد شد؟ آیا با توصیفی جز «کسی که پروردگار کریمش را گم کرده»؟ همان پروردگاری که او را آفریده و راست و استوارش کرده است! و کسی که تو را گم کرد چه چیزی یافت، حتی اگر تمام خلق گمان کنند تمام دنیا با اوست؟! رحم و بخشایش تو، ای پروردگار! آری، انسان برای غایت و هدفی آفریده شده است و در ساحت مقدس خدای سبحان و متعال جایی برای عبث و بیهودگی نیست و او بسی والاتر از چنین نسبت هایی است. [حق تعالی می فرماید: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) (۳) (و ما جن و انس را نیافریدیم مگر برای آنکه مرا پرستند) یعنی تا مرا بشناسند: «و نفرموده «مگر برای خوردن!» یا «مگر برای عمل کردن!»؛ هرچند ناگزیر از عمل کردن و خوردن و نوشیدن است، ولی باید از عبادت، نصیبی عظیم تر، بیشتر و بزرگ تر داشته باشد. خداوند شما

این پرسش نیازمند پاسخ است و در درجه ای از اهمیت قرار دارد که از نظر انسان معتقد به بازگشت به سوی پروردگارش - که هرچه در وجود است را می بیند - برابر با اهمیت بازگشت به اوست: (إِنَّا لِلّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) [۱] (ما از آن خداییم و به سوی او بازمی گردیم) و (إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرُّجْعَى) [۲] (در حقیقت، بازگشت به سوی پروردگار توست)؛ این بدان علت است که بازگشت خواسته شده از خلق و مورد رضایت خالق سبحان، بازگشت همراه ولی خدا و جانشین او در زمینش در سفر انسان به سوی آخرت است. گویی انسان آفریده شده و به این زمین فرو فرستاده شده تا به جست و جوی گمشده ای بپردازد که به خاطرش آفریده شده است، و خداوند سبحان چنین خواسته که کلیدهای رسیدن به آن گم شده، جز با شناخت خلیفه اش در زمینش و حجت بر خلقش کامل نشود و در غیر این صورت جز سرگردانی، گم گشتگی و زیان دنیا و آخرت نخواهد بود؛ و کسی که گم شده اش را - که به خاطر آن آفریده شده است - نیابد و هدف وجود داشتن و آمدنش را محقق نسازد چرا چنین توصیف نشود؟! او با چه چیزی بازخواهد گشت،

سید احمد الحسن (علیه السلام):

پیامبر خدا (ص) می بایست قبل از مرگش کسی را جانشین خود بر امت کند، تا امت را رهانده و بدون سرپرست ترک نکند. [...] این جانشین قطعاً باید داناترین مردم بوده و بر طاعت او نص وجود داشته باشد. این ویژگی ها فقط بر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) منطبق است، نه دیگران.

(پاسخ های روشن گرانه، جلد ۳، س ۲۹۲)

و منظورم از پرسش از خداوند سبحان و گوش سپردن به پاسخ او، شامل پاسخ حجت ها و جانشینان او در زمینش می شود؛ زیرا هیچ یک از آنان از روی هوس سخن نمی گویند بلکه گفته شان وحی پروردگارشان است؛ از این رو پذیرفتن سخن آن ها و اطاعت از آنان، همان اطاعت از خداوند است و نپذیرفتن سخنشان پناه بر خدا. نپذیرفتن خداوند سبحان.

خداوند سبحان که خواستش واقع شدنی است. چنین خواسته که شناخت او از طریق حجت و جانشینش در زمینش حاصل شود، به اعتبار اینکه این جانشین، مثل اعلای او در خلقش و به مثابه آینه ای است که صفات کمال و جلال خالق را به مخلوق منعکس می کند؛ مستخلف [جانشین] تمثیلی است برای کسی که او را جانشین خود کرده و همان وجهی است که با آن با خلقش رویارو می شود؛ و شناخت او همان معرفت خالق است.

از موسی بن عبدالله نخعی نقل شده است که به امام هادی (علیه السلام) عرض کرد: ای پسر رسول خدا! سخنی رسا و کامل برای وقتی که یکی از شما را زیارت نمایم تعلیمم بفرما. حضرت فرمود: «وقتی به در رسیدی بایست... و بگو:... سلام بر محل های شناخت خدا و مسکن های برکت خدا و معادن حکمت خدا و حافظان سر خدا... سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا و راهنمایان به رضایت های خدا... کسی که خدا را بخواهد با شما آغاز کند و کسی که او را یگانه بداند از شما بپذیرد و کسی که او را قصد کند به شما توجه نماید.» [۸]

را بیامزد! در خواستن، اعتدال داشته باشید و دنیا منتهای هم و غمتان و نهایت علمتان نباشد. خداوند را آن گونه که شایسته اش است عبادت کنید تا آخرت از آن شما باشد که بازگشت به سوی آن و محل فرود آوردن توشه و قرارگاه پس از سرآمدها. آنجاست. پس زندگی فریبتان ندهد و به خداوند مغرور نشوید که خداوند سبحان و متعال شما را مخاطب قرار می دهد و می فرماید: «ای فرزند آدم! چرا انصاف به خرج نمی دهی؛ من به وسیله نعمت های خود، محبوب تو می شوم و تو به وسیله گناهان در نزد من مبعوض! خیر و رحمت من به سوی تو نازل می شود و شر تو به سوی من بالا می آید و پیوسته فرشته ای بزرگوار در هر شب و روز عمل قبیحی از تو را به من گزارش می دهد! ای فرزند آدم، اگر وصف خود را از دیگری بشنوی و ندانی آن شخص مد نظر چه کسی است، هر آینه به دشمنی با چنین شخصی شتاب خواهی کرد.» [۴] [۵]

پس شناخت و معرفت خدا همان غایتی است که ما برایش آفریده شده ایم. خداوند تبارک و تعالی در حدیث قدسی می فرماید: «من گنجی مخفی بودم و دوست داشتم شناخته شوم؛ پس خلق را آفریدم تا شناخته شوم.» [۶] حال که شناخت خدای سبحان، غایت خلق و انسان نیز از جمله مخلوقات است، پرسشی خود را نمایان می کند؛ اینکه آیا مخلوق می تواند خودش به شناخت خالق سبحان دست یابد؟ به خصوص که وضعیت این شناخت همانند سایر چیزهایی است که در عالم خلق حادث می شوند و همه از سوی خداوند سبحان هستند! از محمد بن حکیم نقل شده است: به اباعبدالله (علیه السلام) عرض کردم: شناخت و معرفت، مصنوع و ساخته چه کسی است؟ فرمود: «معرفت، ساخته خداست و بندگان در ساختن معرفت نقشی ندارند.» [۷] بنابراین هریک از ما باید از پروردگار کریمی که ما را آفریده است بپرسد: خدای من! چگونه می توانم تو را بشناسم؟

سید احمد الحسن (علیه السلام):

اما ابوبکر: پیامبر (صلی الله علیه و آله) او را جانشین خود نکرد و به فرمان برداری از او دستور نداد. در ضمن این مطلب را هم در نظر بگیرید که او داناترین امت نبود و شما خودتان روایت کرده اید که چطور ابوبکر وقتی در جواب درمی ماند، از مردم می پرسید. (پاسخ های روشنگرانه، جلد ۳، س ۲۹۲)

است که خلقتش را بدون غایت به وجود نمی آورد، و این غایت همان طور که روشن شد. معرفت است و شناخت و معرفت جز با حجت و خلیفه ای برای خداوند در زمینش حاصل نمی شود؛ بنابراین فرض نبود این حجت، سببی برای نابودی زمین و اهلش خواهد بود: «و با شماست که آسمان نگه داشته شده تا بر زمین نیفتد، مگر به اجازه او.»

والسلام علیکم و رحمة الله
برگرفته از کتاب معترضان به خلفای خدا، نوشته
دکتر علاء سالم.

پی نوشت

۱. بقره، ۱۵۶.
۲. علق، ۸.
۳. ذاریات، ۵۶.
۴. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۸.
۵. مقدمه کتاب متشابهات، سید احمد الحسن (علیه السلام)، ج ۲.
۶. بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۳۴۴.
۷. کافی، ج ۱، ص ۱۶۳، باب بیان، تعریف و لزوم حجت، ج ۲.
۸. بخش هایی از زیارت جامعه، رجوع شود به عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۷۲.
۹. کافی، ج ۱، ص ۱۷۹، باب زمین از حجت خالی نمی شود، ج ۱۱.



پس هرکس شناخت خدا را بخواهد باید با شناخت حجت ها و خلفایش شروع کند تا آن ها خلقتش را به او بشناسانند و به رضایت های او راهنمایی اش کنند، و از اینجاست که برخی از معانی ای که در سخنان طاهرین (علیه السلام) آمده برای ما روشن می شود؛ اینکه یادآوری می کنند زمین و اهلش بدون حجت، بقایی نخواهد داشت.

از محمد بن فضیل از ابوالحسن امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که می گوید: به امام رضا (علیه السلام) عرض کردم: آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ فرمود: «نه». عرض کردم: از قول اباعبدالله امام صادق (علیه السلام) به ما روایت می کنند که زمین بدون امام باقی نمی ماند، مگر اینکه خداوند متعال بر اهل زمین یا بر بندگان خشم بگیرد. فرمود: «نه»، باقی نمی ماند؛ در این صورت قطعاً اهلش را فرو می برد.» [۹]

چنین نیست که خداوند با خالی بودن زمین از خلیفه و حجتش، تنها بر اهل زمین خشم بگیرد؛ بلکه بدون حجت خدا، اصلاً وجودی برای زمین و اهلش نخواهد بود؛ زیرا خداوند سبحان هرگز عمل سفیهانه انجام نمی دهد؛ بلکه او حکیمی

سید احمد الحسن (علیه السلام):

اگر بگوییم پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در حالی وفات یافت که کسی را بر این امت به جانشینی خود تعیین نکرد، می گویم: چرا ابوبکر با این سنت مخالفت کرد. طبق فرض شما. و عمر بن خطاب را جانشین خود کرد؟!

(پاسخ های روشنگرانه، جلد ۳، س ۲۹۲)

علت دین گریز شدن مردم چیست؟

زمین است.

۳. قانون و شریعتی که حجت خدا از طرف خداوند حامل آن است تا اراده خداوند در زمین اعمال شود.

این سه اصل در ادیان الهی و کتب مقدسشان همچون قرآن، تورات و انجیل مشترک است. [۱]

در واقع شکی نیست که **حجت خدا تجلی خداوند در زمین است؛ همان خداوند مهربان و رحیم که اعتقاد به خیرخواهی اش وجه اشتراک همه ماست؛** به سؤال اول باز می گردیم...

چه چیزی باعث شده است مردم در حالی که به طور مستقیم، اخلاق و منش و کردار حجت های الهی را درک نکرده اند، آن ها را مورد قضاوت ناعادلانه قرار دهند و آرامش را در بی دینی جست و جو کنند؟

پاسخ ساده است؛ زیرا آن ها دین را از جایی غیر از اصل اساسی اش برداشت کرده اند... [۲]

طبیعتاً شما هم با افرادی که می گویند ما فقط خدا را قبول داریم و اعتقادی به دین نداریم روبه رو شده اید! یا کسانی که می گویند دین ما انسانیت است.

چه چیزی باعث شده افراد جامعه، دین را جدای انسانیت ببینند؟!

آیا اشکال در شریعت یا قوانین الهی است؟

قبل از ریشه یابی اشکال، توضیح مختصری در رابطه با **قانون مشترک تمام ادیان الهی** ارائه می دهیم؛

استخلاف:

این قانون مشترک از سه اصل تشکیل شده است که عبارت اند از:

۱. مستخلف که خداوند است و خلیفه یا حجتش را در زمین انتخاب می کند.

۲. مستخلف که همان خلیفه و حجت خداوند در

سید احمد الحسن علیه السلام:

حکام طاغوت کشورهای اسلامی سعی می کنند در میان عامه مسلمانان، اندیشه جدایی دین از سیاست را گسترش دهند و همواره شعار جدایی دین از سیاست را سر می دهند.
(سرگردانی یا راه به سوی خدا)



زیرا توسط بدعت‌ها و اشتباهات (خواسته یا ناخواسته) علمای بی‌عمل مسموم شده‌اند و توانایی تشخیص حق از باطل را ندارند...

درمان دین‌گریزی:

در جامعه‌ای که ویروس دین‌گریزی منتشر شده است، باید واکسنی از نوع اعتماد و اخلاقی از نوع آل محمد (علیه السلام) منتشر کرد. مردم باید تفاوت حجت خدا و سایرین را متوجه شوند؛ اخلاق و منشی که قرن‌ها از مردم پوشیده مانده است.

شیخ حبیب سعیدی (حفظه الله) می‌فرمایند:

«خاطر من هست یک بار در کربلای مقدس گویا در خانه انصار بودیم که یکی از اساتید نزد ما آمد و یادام بود که او [مدرک] مهندسی داشت. با ما وارد گفت‌وگو شد و سؤالاتی را از ما می‌پرسید و نمی‌دانست شخصی که در کنار ما نشسته است امام احمدالحسن (علیه السلام) است. در حقیقت او یکی از مؤمنین انصار بود، اما تا به حال امام احمدالحسن (علیه السلام) را ندیده بود. سپس امام احمدالحسن (علیه السلام) با ما هم صحبت شد و [آن انصاری] از طریق کلام و صحبت‌های ایشان متوجه شد که ایشان، امام (علیه السلام) است.

پس به او گفت: مولایم شما امام احمدالحسن (علیه السلام) هستید؟ امام به او فرمودند: آری من سید احمدالحسن هستم.

این مهندس مثل شاخه‌های خرما می‌لرزید؛ یعنی واقعاً می‌لرزید و چهره‌اش تغییر کرد و عرق می‌کرد. امام احمدالحسن (علیه السلام) از این امر بسیار اذیت و ناراحت شدند و به او گفتند: چرا این‌گونه با من رفتار می‌کنی؟ من یکی از برادران شما هستم. من یکی از شما هستم. چرا این‌چنین با من رفتار می‌کنید؟» [۳]

همچنین شیخ ناظم عقیلی (حفظه الله) در خاطراتی درباره سید احمدالحسن (علیه السلام) می‌فرماید:

«بسیار متواضع است. من سال‌ها با او زندگی کرده‌ام. در میان ما، مانند یکی از ما بود؛ بلکه در بسیاری از

به همین دلیل تصور می‌کنند دین همان چیزی است که برخی علمای ادیان به نمایش گذاشته‌اند و زمانی که در اعمال آن‌ها سکوت در برابر ظلم، فساد و ناعدالتی می‌بینند آن را مرتبط با دین و شریعت می‌دانند.

در حالی که علمای ادیان به علت عدم عصمت در هیچ کدام از سه اصل اساسی دین (استخلاف) قرار نمی‌گیرند و آن‌ها هم مانند سایرین در معرض امتحان و ابتلا هستند تا ببینند فرجام کار در زمره هدایت یافتگان هستند یا گمراهان...

نگاهی بیندازید به کشورهای که نام دین و اسلام را یدک می‌کشند؛

آیا عدالت و مبانی اخلاقی اسلامی در آن جوامع به صورت مطلوب اجرا شده است؟ آیا مردم از نحوه اجرای قوانین رضایت دارند؟ چه می‌شود زمانی که فردی با ذکر مقدس «الله اکبر» خود را منفجر کرده و صدها نفر را به خاک و خون می‌کشد!

یا جنگ‌هایی که در آن هر دو طرف درگیر، نام خدا و قرآن را به میان می‌آورند و طرف مقابل را تکفیر می‌کنند...

حتی سایر ادیان الهی مانند مسیحیت و یهود از این قاعده مستثنا نیستند و تاریخ تاریکی در جنگ‌های عقیدتی دارند.

حقیقت این است که مردم دیگر به کسی اعتماد ندارند و خودمحوری را راه نجات می‌بینند. شرایط جوامع اسلامی و سایر ادیان الهی و همچنین تبلیغات ضد اسلامی مستکبران باعث شده برخی جوامع اعتقاد به منجی را یک افسانه قلمداد کنند که علمای ادیان برای فریب مردم و کنترل آن‌ها تدارک دیده‌اند.

حال تصور کنید در چنین زمانی منجی حقیقی ادیان ظهور کند و مردم را به خود دعوت کند!

آیا مردم او را به سادگی خواهند پذیرفت؟ پس زمانی که به آن‌ها می‌گوییم فرستاده امام مهدی (علیه السلام)، یمانی موعود آمده تعجبی ندارد که طلب معجزه قاهره کنند.

سید احمدالحسن (علیه السلام):

کسی که در وجودش اندکی نور الهی وجود داشته باشد، یادآور خواهد شد و به ولایت الهی باز خواهد گشت و دیگر به فرمان طاغوت نخواهد بود و به گروه مؤمنین ملحق می‌شود.

(سرگردانی یا راه به سوی خدا)



انصار و پیروان فرستادهٔ امام مهدی علیه السلام باید با «تبلیغ» خود نقش درمانگر و پزشک را ایفا کرده و به سایرین این رهبر الهی را بشناسانند و طبیعی است که در این مسیر برخی به خاطر عدم شناخت او و تصور بدی که از شخصیت‌های دینی دارند در ابتدا توهین و سرکشی کنند؛ اما انتهای مسیر شیرین است و تلخی غوره را به حلوا تبدیل می‌کند. نیاز است در این مسیر همچون امامان با شعار «لا حول و لا قوة الا بالله» در مسیر حاکمیت خدا تا آخرین نفس بکوشیم.

منابع:

۱. برای توضیحات کامل به کتاب زیبای «عقاید اسلام» نوشتهٔ سید احمد الحسن علیه السلام مراجعه فرمایید.
۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: «همانا اصل دین یک مرد است و آن مرد همان یقین است و او همان ایمان است و او امام اهل زمانش است؛ پس هرکس آن امام را شناخت، خدا و دین خدا و قانون خداوند را شناخته است، و هرکس آن امام را انکار کند همانا خداوند و دینش را انکار کرده است، و هرکس به آن جاهل بماند همانا که به خدا و دین و قانون خداوند جاهل باقی مانده است، و هرگز خدا و دینش را نخواهد شناخت جز با شناخت امامش؛ و این همان چیزی است که مردان دین خدا دارند و با آنان این دین شناخته می‌شود.» (مختصر بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۵۲۷)
۳. شیخ حبیب سعیدی، ۲۳ آبان ۱۴۰۰، گفت‌وگوی صوتی در گروه فراخوان مهدوی.
۴. خاطراتی از شیخ ناظم عقیلی (حفظه الله) در مجموعه «امام احمد الحسن را این‌گونه شناختم»

اوقات به ما خدمت می‌کرد. در خوراک و پوشاک و نشستن تفاوتی با ما نداشت، و بلکه پوشش و لباس ما از لباس او بهتر بود... .

و به هر مکانی که می‌خواستیم وارد شویم یا سوار اتومبیل شویم، هنگام ورود ما را مقدم می‌کرد و نمی‌پذیرفت که کسی ایشان را بر دیگر انصار مقدم کند. همیشه می‌گفت: من برادر شما و خدمتکار شما هستم و همهٔ ما به‌سوی رضایت خداوند بلندمرتبه حرکت می‌کنیم. **من آمده‌ام تا شما را از بت پرستی بیرون بیاورم؛ پس از من بت نسازید.**

هنگامی که برخی از انصار با ایشان علیه السلام به شکل خاص و ویژه رفتار می‌کردند و در هنگام سلام کردن و دست دادن و مانند این‌ها، بین ایشان علیه السلام و دیگر انصار فرق می‌گذاشتند، ایشان بسیار ناراحت می‌شد و همیشه می‌گفت:

علامت و نشانه، شما را از هدف و نهایتی که آن علامت بدان اشاره دارد، باز ندارد... امامان و حجت‌ها نشانه‌هایی در مسیر هدایت و حق هستند.
پس وسعت دیدتان را به نشانه محدود نکنید که با این کار در حق آن نشانه نیز ظلم می‌کنید...» [۴]

کدام انسان منصفی (با هر عقیده و تفکر) یافت می‌شود که چنین شخصیت الهی‌ای را نپذیرد و با او دشمنی کند؟

شخصی که با اعمال و اخلاقش در تاریکی دوران به انسانیت معنای حقیقی می‌بخشد... .
 و با وجود او چه کسی می‌تواند ادعا کند دین جدای از انسانیت است؟

بزرگ‌ترین معجزهٔ احمد الحسن علیه السلام خود شخصیت اوست که حتی شگفت‌انگیزتر از شکافتن دریاست!

سید احمد الحسن علیه السلام:

سیاست، ارتباط تنگاتنگی با حکومت و حاکم دارد. اساس سیاست طاغوت، مکر، حيله، فریب و آزار ملت و ایجاد حصار فکری و اقتصادی و نیز گسترش فساد و ظلم میان بندگان خداست. (سرگردانی یا راه به‌سوی خدا)



جهان های موازی؛ افسانه یا واقعیت علمی؟!

حتماً دست کم یک بار واژه جهان های موازی به گوشتان خورده است. یا تصویری از آن را در فیلم های پُرخرج هالیوودی مشاهده کرده اید. جایی که قهرمانان داستان با استفاده از وسیله ای پیشرفته و در یک چشم به هم زدن از یک بُعد وجودی به بُعدی دیگر سفر می کنند تا جهانی را از دست حاکمان ستمگر نجات دهند و صلح و شادی را برای مردم به ارمغان بیاورند!

انسان با تکیه بر قوه تخیلش مرزها را پیش از آنکه در واقعیت پشت سر بگذارد، درمی نوردد؛ اما آیا می دانستید یافته های علمی قرن اخیر، ما را به سمت پذیرش وجود جهان های موازی رهنمون می کند؟! درست است که این ابعاد اضافی چیزی نیستند که بتوانیم با همین حواس فیزیکی درکشان کنیم، اما آیا هر چیزی که نتوانیم با حواس پنج گانه درک کنیم، وجود ندارد؟! در اصل، حواس فیزیکی ما در روند تکامل حیات بر روی زمین پدید

۱. آیا جهان به همین چهار بعد فضا-زمان خلاصه می شود؟

۲. اگر ابعاد دیگری وجود داشته باشند، آیا شواهدی برایشان یافت می شود؟
در نهایت، آیا جهان های موازی ساخته و پرداخته اذهان خلاق نویسندگان است، یا یافته های علمی، وجودشان را تأیید می کند؟



سید احمد الحسن علیه السلام:

می توانیم بگوییم علت اصلی خداناباوری این است که شخصیت های دینی درباره مسائل علمی معاصر درباره پیدایش هستی یا ظهور زندگانی و فرگشت آن تا رسیدن به ظهور انسان روی سیاره زمین- پاسخ های صحیح و قانع کننده ای ندارند.

(گفت و گو در روم انصار امام مهدی علیه السلام، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۵م)

مکانی مشخص، و در زمانی مشخص و در دو جهت مخالف، حرکت می‌کنند. وقتی در زمان مشخص، موقعیت ذره اول را بسنجیم، موقعیت ذره دوم را به دست آورده‌ایم و این موضوع به ظاهر با اصل عدم قطعیت که بیان می‌دارد نمی‌تواند دو ویژگی مقارن یک ذره را، در یک لحظه با دقت بالا بسنجیم، تناقض دارد!

در کمال شگفتی، اطلاعات بین دو ذره‌ای که هم‌زمان از یک نقطه حرکت کنند، تا بی‌نهایت و به صورت آنی (سرعتی فراتر از سرعت نور) جابه‌جا می‌شود. اگر بپذیریم اطلاعات با سرعتی فراتر از سرعت نور جابه‌جا شود، نظریه نسبیت خاص را نقض کرده‌ایم، و اگر آن را نپذیریم، اصل عدم قطعیت را نقض کرده‌ایم. در حالی که این دو، قطعی‌اند و دلیل متقنی بر ردشان وجود ندارد. برای رفع این تناقض، چاره‌ای نیست جز اینکه بپذیریم **جهان یا جهان‌هایی موازی با این جهان مادی وجود دارد که اطلاعات در آن با سرعتی بیش از سرعت نور جابه‌جا می‌شود. [۳]** و این موضوع تکمیل‌کننده نظریه چندجهانی هیو اورت است.

جایی که او برای توضیح گم و پیدا شدن ذرات در آزمایش دو شکاف، با معادلات ریاضی محکم، بیان داشته هر ذره دارای وجودهای دیگری در جهان‌های موازی است که وقتی مشاهده نشود، همه آن‌ها به صورت اشباح پیدا می‌شوند، و وقتی مشاهده شوند، یکی از آن‌ها عینیت می‌یابد و باقی پنهان می‌شوند.

اهمیت کار اورت که در سال ۱۹۵۷ منتشر شد، در این است که او این ایده غریب خیالی را انتخاب کرد و با استفاده از قوانین تئوری کوانتومی، آن را بر پایه‌های استوار ریاضی بیان نمود. اینکه ما حدسی درباره طبیعت کیهان ارائه دهیم، یک مطلب است، اما اینکه این حدسیات را در قالب یک تئوری کامل و یکپارچه توسعه دهیم، مطلب دیگری است. [۴]

پی‌نوشت:

۱. تاپسون و گلداسمیت، آغازها، ص ۸۵.
۲. لندلی، عدم قطعیت، ص ۲۶۶.
۳. سید احمد الحسن، توهّم بی‌خدایی، ترجمه فارسی، ص ۴۰۶.
۴. گریبین، تحقیق درباره گربه شرودینگر، ص ۲۵۸.

آمده‌اند و اگرچه امکاناتی عالی برای بقا در اختیارمان قرار می‌دهند، برای رسیدن به فراتر از آن، همچون حجابی عمل می‌کنند؛ مثلاً ما نمی‌توانیم امواج مخابراتی‌ای را که به موبایل‌مان می‌رسد ببینیم، اما با توجه به اثراتش که بر حسگرها نقش می‌بندند و ... وجود آن را تصدیق می‌کنیم. چنانچه دکتر نیل دگراس تاپسون، اخترفیزیک‌دان آمریکایی گفته است **فرضیه یا نظریه چندجهانی به علت نبود امکان اندازه‌گیری تراکنش بین جهان‌ها، در دسته غیرقابل آزمایش‌ها قرار می‌گیرد: [۱]** اما این موضوع، وجود ابعاد یا جهان‌های موازی را نفی نمی‌کند. به این علت که چنانچه اشاره شد، حواس ما برای بقا در این چهار بعد فضا-زمان تکامل یافته‌اند؛ همچنین شواهد علمی محکمی، وجودشان را پشتیبانی می‌کند. به بیان دیگر، در موضوعاتی مثل انسجام کوانتومی، و آزمایش دو شکاف، چنانچه سید احمد الحسن در کتاب «توهّم بی‌خدایی» تشریح کرده، **تنها ایده‌ای که می‌تواند تناقض بین نسبیت و فیزیک کوانتوم را حل کند، ایده جهان‌های موازی است.**

اینشتین در یکی از تلاش‌هایش برای ایرادگیری به فیزیک کوانتوم، در کنفرانس سالوی در سال ۱۹۲۷ آزمایشی ذهنی مطرح کرد که در نهایت به یکی از پیچیده‌ترین مسائل جهان فیزیکی، یعنی انسجام کوانتومی انجامید. [۲] او فرض گرفت، دو ذره در

سید احمد الحسن (رحمته الله علیه):

نسبت به نحوه برخورد با الحاد، معتقدم الحاد علمی، مسئله‌ای فکری و علمی است و به برخورد فکری و علمی نیاز دارد. این یک مسئله بسیار مهم و محوری است که باید بر آن تمرکز کنیم. منظورم الحاد علمی و مواجهه علمی با آن است.

(گفت‌وگو در روم انصار امام مهدی (عج)، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۵م)

تاجی از فخر

نغمه خوان آمده جبریل و خبر آورده
از خداوند به این خلق نظر آورده

بهر این پادشاه عالم و آدم، طاها
تاجی از فخر و همه نور به سر آورده

روزها بهر نبی تلخ گذشته چندی
تلخ کامیش ثمر داده شکر آورده

اجر احمد شدنش فاطمه‌ی زهرا شد
بس که با آمدنش خیر بشر آورده

علت فرض حجاب است و سبب بر آن که
بهر او آیزد حق حُجب گهر آورده

لحظاتی ست که دنیا همه شادی گردید
چون وجودیت محمود ثمر آورده

خیمه بسته ست ملائک همه بر روی زمین
که ز عرش آمده جبریل و قمر آورده

این تجلی رحیمی که به رحمت برخاست
در دل مؤمن و هر شیعه اثر آورده

مژده ای در هوس دیدن مهتاب لیال
بعد یلدا شب تاریک، سحر آورده

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن عليه السلام ظهور کرد

ای یهودیان! فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخرالزمان متولد

می شود، اکنون در میان ماست.

ای شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام مهدی

و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود، سال هاست که

منتظر شماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با

سندی از علم و شگفتی ها آمده است.